

سلسله درس هاي محدوديت

حلقه هفتم



دکتر سید محمد کربنی هاشمی

سر شناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدیدآور: غیبت امام عصر علیهم السلام: مسلسله درس‌های مهدویت،
 جلد هفتم / سید محمد بنی‌هاشمی.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۴ ص.
 شابک جلد هفتم: ۰-۲۰۸-۵۳۹-۹۶۴-۷۸۹
 شابک دوره: ۰-۲۰۸-۵۳۹-۹۶۴-۷۸۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: همچین به صورت زیرنویس.
 موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، احادیث، مهدویت.
 موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، غیبت، دعاها.
 ردیبندی کنگره: ۱۳۸۸: ۸ س ۸۳ ب / BP ۲۲۴
 ردیبندی دیوبی: ۴۶۲ / ۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵



ISBN 978 - 964 - 539 - 208 - 4 شابک ۰-۲۰۸-۵۳۹-۹۶۴-۷۸۹

غیبت امام عصر علیهم السلام

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۲۶

چاپ: پدیده گوتنبرگ

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آیسرادار، ساختمان بیشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۰۷۷ ۵۲ ۱۸ ۳۶ (۶ خط)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی بور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۹۱۵ (۰) ۷۵۲۱۸۲۶ ۰۹۳۵ (۴ خط)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر نیک‌معارف، ۰۱۰ ۲۲۸۴۷۰۳۵ * نشر آفاق، ۰۶۹۵۰۰۱۰ * دارالکتب الاسلامیه، ۰۵۵۶۲۰۴۱۰
 نشر رایحه، ۰۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۰۳۹۳۰۴۹۶



فروشگاه تخصصی کتب دینوک



فروشگاه تخصصی کتب دینو

این حلقه به نیابت از:

مرzbان حریم تشیع

شیخ مفید علیہ السلام

به پیشگاه:

همسر باوفای خاتم الانبیاء صلوات اللہ علیہ و سلام

فروشنگاه تخصصی کتب حضرت خدیجه کبری علیہ السلام

تقدیم می‌گردد.





فهرست مطالب

۱۵	فصل اول: سابقه غیبت خلیفه الهی در زمین
۱۵	درس اول: غیبت حجت‌های پیشین
۱۵	غیبت حضرت ادریس <small>علیہ السلام</small>
۱۶	غیبت خلیفه (یا خلفای) الهی پس از حضرت نوح <small>علیهم السلام</small>
۱۸	غیبت حضرت یوسف <small>علیہ السلام</small>
۲۲	غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی <small>علیہ السلام</small>
۲۳	غیبت حضرت موسی <small>علیہ السلام</small>
۲۶	درس دوم: پنهانی امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۲۶	معنای غیبت امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۲۹	خالی نبودن زمین از حجت الهی
۳۱	توجه دادن امام عصر <small>علیهم السلام</small> به غیت‌های انبیا <small>علیهم السلام</small>
۳۷	درس سوم: پیشگویی‌های معصومین <small>علیهم السلام</small> در مورد غیبت امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۳۷	پیشگویی پیامبر اکرم <small>صلوات الله علیه و آله و سلم</small> در مورد غیبت امام دوازدهم <small>علیهم السلام</small>
۴۰	پیشگویی امیرالمؤمنین <small>علیهم السلام</small> درباره غیبت امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۴۳	پیشگویی حضرت مجتبی <small>علیهم السلام</small> نسبت به غیبت حضرت ولی عصر <small>علیهم السلام</small>

۴۴	پیشگویی پدر بزرگوار امام زمان <small>علیهم السلام</small> در مورد غیبت فرزند خویش
۴۶	پیشگویی پیامبر اکرم <small>صلوات الله علیه و آله و سلم</small> دربارهٔ دو غیبت آخرین جانشین خود
۴۷	پیشگویی سال شروع غیبت امام عصر <small>علیهم السلام</small> از ۴۰ سال قبل
۴۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳

فصل دوم: چگونگی ارتباط با امام عصر علیهم السلام در زمان غیبت صغیری و کبری

۴۹	درس چهارم: مقایسهٔ دو غیبت صغیری و کبری
----------	---

۴۹	تفاوت دو غیبت از جهت مدت زمان آنها
----------	--

۵۲	تفاوت دو غیبت از جهت نحوهٔ ارتباط با امام غایب
----------	--

۵۴	ارتباط غیر مستقیم یا امام <small>علیهم السلام</small> در غیبت صغیری
----------	---

۵۷	غیبت کامل و ناقص
----------	------------------------

۵۹	درس پنجم: نیابت در غیبت کبری (۱)
----------	--

۵۹	جایگاه ممتاز نواب خاص امام زمان <small>علیهم السلام</small> حتی در غیبت کبری
----------	--

۶۲	بسنّه بودن باب نیابت خاصه (تکالیف جدید) در غیبت کبری
----------	--

۶۷	معلوم بودن جایگاه امام <small>علیهم السلام</small> برای برخی از خواص در هر دو غیبت
----------	--

۷۱	درس ششم: نیابت در غیبت کبری (۲)
----------	---------------------------------------

۷۱	عدم امکان ارتباط اختیاری با امام <small>علیهم السلام</small> در غیبت کبری
----------	---

۷۴	ناشناسخته بودن کارگزاران امام <small>علیهم السلام</small> در زمان غیبت کبری
----------	---

۷۹	محدوّدیت‌های کارگزاران در ارتباط با مردم و امام <small>علیهم السلام</small>
----------	---

۸۰	عنایت حضرت به مؤمنان بدون وجود راه ارتباطی ظاهری با ایشان
----------	---

۸۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۶
----------	---

فصل سوم: بهره‌وری از امام غائب علیهم السلام

۸۳	درس هفتم: بهره‌مند شدن از نور ولایت (۱)
----------	---

۸۳	تشبیه امام غایب <small>علیهم السلام</small> به خورشید پس از
----------	---

۹ فهرست مطالب

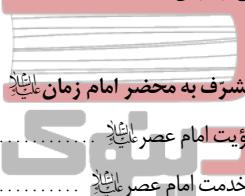
۸۶	ارزش و اهمیت نور ولایت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۸۷	امتحان حضرت آدم <small>علیه السلام</small> در خصوص ولایت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۹۱	امتحان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در مورد ولایت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۹۵	درس هشتم: بهره‌مند شدن از نور ولایت (۲)
۹۵	تفاوت مؤمنان در بهره‌مندی از نور ولایت امام غایب <small>علیه السلام</small>
۹۷	سطح پایین و بالای بهره بردن از خورشید پشت ابر
۹۹	رابطه دیدار امام غایب با معرفت ایشان
۱۰۳	اولویت انجام وظیفه بر اهتمام نسبت به دیدن امام غایب <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	درس نهم: شوق دیدار
۱۰۵	تذکرات نایب دوم امام زمان <small>علیه السلام</small> در مورد دیدار حضرت و شوق نسبت به آن
۱۰۹	غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small> خواست قطعی خداوند
۱۱۰	ضرورت تسلیم نسبت به غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	اهمیت زیارت امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۱۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۷ تا ۹

فروشگاه تخصصی کتب دینی

۱۲۱	فصل چهارم: اشتیاق و اهتمام برای دیدار امام غائب <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	درس دهم: درخواست دیدار (۱)
۱۲۱	دو گرایش افراطی و تفریطی در مورد شوق دیدار امام غایب <small>علیه السلام</small>
۱۲۵	شقق دیدار امام عصر <small>علیه السلام</small> لازمه ولایت و محبت ایشان
۱۲۸	استحباب دعا برای دیدار امام عصر <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۳۱	درس یازدهم: درخواست دیدار (۲)
۱۳۱	اشکالات وارد شده بر تقاضای دیدار امام زمان <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۳۲	بررسی دلالت الفاظ دعاها بر دیدن امام زمان <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۳۶	تقاضای رؤیت امام عصر <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت و ظهور
۱۳۹	مطلوبیت تمثیل رسیدن به خدمت امام زمان <small>علیه السلام</small> و دعا برای تحقق آن

۱۰ □ غیبت امام عصر علیهم السلام

درس دوازدهم: پافشاری بر درخواست دیدار ۱۴۳
استحباب اصرار در دعا برای تقاضای دیدار امام زمان علیهم السلام ۱۴۳
وظیفه مؤمن در صورت عدم استجابت دعا ۱۴۵
آفت شیفتگی شدید به امام زمان علیهم السلام ۱۴۶
درس سیزدهم: آداب دیدار ۱۴۹
ذکر آداب و اعمالی برای تشریف خدمت امام عصر علیهم السلام ۱۴۹
مراقبت بر یکی از تعقیبات نماز برای توفیق دیدار امام عصر علیهم السلام ۱۵۲
تشریف صاحب مکیال خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالیٰ فرجه ۱۵۵
عمل به وظیفه؛ بهترین راه رسیدن به فیض دیدار امام زمان علیهم السلام ۱۵۷
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۳ ۱۶۲



فصل پنجم: بررسی حجتیت تشریف به محضر امام زمان علیهم السلام ۱۶۳
درس چهاردهم: ادعای رویت امام عصر علیهم السلام ۱۶۳
خبر دادن از تشریف خدمت امام عصر علیهم السلام ۱۶۳
تشریف سید بن طاووس به محضر حضرت مهدی علیهم السلام ۱۶۵
تشریف مرحوم علامه بحرالعلوم خدمت حضرت ولی عصر علیهم السلام ۱۶۶
تشرفات میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی خدمت امام زمان علیهم السلام ۱۶۹
درس پانزدهم: تصدیق یا تکذیب تشرفات ۱۷۳
تshawیق به نقل قضایای متقن در تشریف خدمت حضرت علیهم السلام ۱۷۳
عدم جواز تکذیب مدعی تشریف ۱۷۵
منظور از مشاهده‌ای که باید تکذیب شود ۱۷۶
درس شانزدهم: نقد و بررسی اصالت اشتیاه و دروغ در مورد ادعای رویت ۱۸۱
برخورد صحیح با ادعای تشریف ۱۸۱
بررسی ادعای لزوم تکذیب مدعی رویت ۱۸۳
بررسی اخبار دال بر عدم امکان رویت امام زمان علیهم السلام در زمان غیبت ۱۸۴

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۸۶	نظر علامه بحرالعلوم درباره مدعی رؤیت
۱۸۸	درس هفدهم: بررسی حجّیت تشرفات
۱۸۸	تکذیب مدعی رؤیت در عمل
۱۹۱	عدم تمامیت دلیل بر تکذیب مدعی رؤیت
۱۹۲	تفاوت میان اثبات شرعی و احراز وجدانی
۱۹۳	حجّیت یا عدم حجّیت شرعی تشرفات
۱۹۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۷
۱۹۹	درس هجدهم: اعتماد و عدم اعتماد بر تشرفات
۱۹۹	معیارهای اعتماد بر تشرفات منقول
۲۰۲	نمونه‌ای از تشرفات قطعی در زمان غیبت کبری
۲۰۵	قرینه‌ای بر عدم جواز اعتماد به نقل تشرف
۲۰۶	لزوم احتیاط در اعتماد و عدم اعتماد بر حکایات تشرف



۲۰۹	فصل ششم: بهره‌وری خواص از خورشید وجود امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۲۰۹	درس نوزدهم: راهی به سوی امام غائب <small>علیهم السلام</small> (۱)
۲۰۹	باز بودن راه به سوی امام غائب <small>علیهم السلام</small>
۲۱۱	اختصاص این راه به خواص
۲۱۳	سیره و سلوک خواص امام زمان <small>علیهم السلام</small>
۲۲۰	درس بیستم: راهی به سوی امام غائب <small>علیهم السلام</small> (۲)
۲۲۰	بطلان ادعای ارتباط با امام <small>علیهم السلام</small>
۲۲۲	گناهان، سبب محجوب شدن از امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۲۲۵	رفع حجاب از نفس با تهذیب آن
۲۲۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۸ تا ۲۰
۲۲۹	فهرست منابع



فروشگاه تخصصی کتب دینو

در عصر امامت امام عصر علیله، شاید هیچ امری به دشواری و حساسیت غیبت آن حضرت، ابزار آزمایش شیعیان و مؤمنان نبوده باشد. به علاوه، هر چند غیبت خلفای الهی، در امت‌های پیشین، سابقه‌ای دیرین دارد، اما طولانی شدن آن در امت اسلام (تا حدود ۱۲ قرن) زمینهٔ پیدایش ابهامات و اشکالات فراوانی شده است.

غیبت امام علیله از جهات مختلف در معرض آراء و نظریات متفاوت و بعضًا متعارض قرار گرفته است. او لین مسألهٔ مورد بحث عبارت است از: «چگونگی ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبری و نیز طریق بهره‌وری از وجود مقس ایشان در این دوران»، در این مورد دیدگاه‌های ضد و نقضی نسبت به امکان تشرّف به محضر امام غایب علیله وجود دارد که باید به طور مستدل مورد بحث و بررسی قرار گیرند و مشرب صحیح در این میان شناخته شود.

این حلقة اختصاص به معنا و مفهوم غیبت و چگونگی ارتباط با امام غایب دارد که در ۶ فصل تنظیم شده است. در ضمن این فصول، دربارهٔ شوق دیدار امام زمان علیله و امكان وقوع آن در عصر غیبت کبری مباحث مهمّ مطرح شده و حجّت تشرّفاتی که از طرق گوناگون مورد اذاعاً قرار گرفته، بررسی شده است. دربارهٔ بهره‌وری شیعیان خاصّ آن حضرت از خورشید وجود ایشان نیز در همین حلقة سخن گفته‌ایم.



فروشگاه تخصصی کتب دینو



فصل

سابقه غیبت خلیفه الہی در زمین



درس اول: غیبت حجت‌های پیشین

غیبت خلیفه الہی در زمین، پدیده نو ظهور و بی سابقه‌ای نیست که تنها در امت اسلام رخداده باشد. بلکه این امر پیشینه‌ای بس دیرینه در امت‌های گذشته داشته است. در اینجا به چند نمونه از این دست اشاره می‌کنیم تا اصل وجود غیبت خلیفه خداوند و نحوه آن، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

غیبت حضرت ادریس علیہ السلام

خبر غیبت حضرت ادریس علیہ السلام در حدیث مفصلی - به نقل از حضرت باقرالعلوم علیہ السلام - بیان شده است^۱. مطابق این حدیث شریف

۱ - رجوع شود به: کتاب «کمال الدین و تمام النعمه»، باب ۱، «فی غيبة ادریس النبی علیہ السلام».

حضرت ادریس علیهم السلام به امر خداوند بیست سال از قوم خود در پنهانی به سر برد. قبل از پنهان شدن، شیعیان خود را که بیست نفر بودند، جمع کرد و به ایشان دستور داد تا در جاهای مختلف پخش شوند. آنها نیز چنین کردند و خود آن حضرت هم در غاری بر فراز کوه بلندی پناه گرفت.

پس از گذشت این مدت، مجبور شد برای کسب روزی از محل پنهانی اش خارج شود و به صورت ناشناس به قریه‌ای وارد گردد. تقدیرات الهی بالآخره او را از ناشناخته بودن خارج کرد و با ظهرور ایشان، نعمت بارش باران که در طول این مدت از قوم آن حضرت در بیش شده بود، دوباره به آنها عطا شد.

غیبت حضرت ادریس علیهم السلام از آنجا آغاز شد که پادشاه جبار آن زمان، ایشان را تهدید به قتل نمود. همین، انگیزهٔ غیبت آن حضرت به امر الهی بود و بر اثر این غیبت طولانی، همهٔ مردم - حتی شیعیان ایشان - به نهایت سختی و مشقت گرفتار شدند. هر دو موضوع - هم انگیزهٔ غیبت و هم گرفتاری سخت شیعیان به خاطر طولانی شدن غیبت - در مورد غیبت امام عصر علیهم السلام تکرار شده است.

غیبت خلیفه (یا خلفای) الهی پس از حضرت نوح علیهم السلام

مصدقه دیگر برای غیبت خلیفه الهی پس از وفات حضرت نوح علیهم السلام اتفاق افتاد. مطابق حدیثی که از امام صادق علیهم السلام نقل شده است، آن حضرت در هنگام وفات خود شیعیانش را جمع کرد و خطاب به آنها فرمود:

إِعْلَمُوا أَنَّهُ سَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي عَيْنَةً نَظَهَرُ فِيهَا الطَّواغِيْتُ وَأَنَّ
 اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّجُ عَنْكُمْ بِالْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ هُودٌ...
 يُشَبِّهُنِي فِي خَلْقِي وَخَلْقِي ... فَلَمْ يَرَالوْا يَتَرَقَّبُونَ هُودًا وَ
 يَنْتَظِرُونَ ظُهُورَهُ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ وَقَسَّتْ قُلُوبُ
 أَكْثَرِهِمْ فَأَظَهَرَ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - نَبِيَّهُ هُودًا عِنْدَ الْيَاسِ مِنْهُمْ وَ
 تَنَاهِي الْبَلَاءِ بِهِمْ.^۱

بدانید که پس از من غیبی خواهد بود که در آن طاغوتها ظاهر خواهند شد و خدای عزوجل به وجود قیام کننده‌ای از فرزندان من - به نام هود - فرج شما را می‌رساند... او در شمایل و اخلاق شبیه من است ... پس آنها پیوسته چشم به راه هود و منتظر ظهورش بودند تا آنکه مدت (این غیبت و انتظار) به درازاکشید و دلهای بیشتر ایشان سخت [و سنگ] گردید، در این هنگام خدای متعال پیامبرش هود را ظاهر ساخت در حالی که آنها - از فرج - ناالمید و در نهایت گرفتاری بودند.

چندنکته در این حدیث شریف، قابل توجه و تأمل است:

یک اینکه حضرت نوح علیه السلام فرمود: پس از من غیبی خواهد بود، اما حضور خلیفه الهی در زمین را نفی نکرد.

می‌دانیم که مطابق سنت دیرین الهی همیشه بر پنهان زمین، خلیفه‌ای از جانب خداوند وجود دارد، اما این خلیفه ممکن است آشکار و شناخته شده نباشد بلکه ناشناخته و پنهان باشد.^۲ به همین جهت،

۱ - کمال الدین، باب ۲، ح ۳.

۲ - احادیث مربوط به این بحث در کتاب «کمال الدین و تمام التعمة» باب ۲۲ به تفصیل ذکر شده است.

حضرت نوح علیهم السلام به غیبت حجّت یا حجّت‌های الهی پس از خود اشاره فرمود، بدون آنکه هیچ نام و نشانی از آنها بیان فرماید.
نکته دوم اینکه حضرت نوح علیهم السلام یکی از فرزندان خود را به نام و نشان معزّفی کرد و از او به عنوان «قائم» یاد نمود و وعده داد که فرج شیعیان به ظهور ایشان خواهد بود.

سوم اینکه دوران انتظار فرج شیعیان حضرت نوح علیهم السلام به درازا کشید تا آنجاکه بیشتر آنها به قساوت قلب گرفتار شدند.
چهارم اینکه خدای متعال، حضرت هود علیهم السلام را در زمانی ظاهر فرمود که شیعیان از فرج، نالمید و در نهایت سختی و گرفتاری بودند.
هر چهار ویزگی در مورد پیامبر اکرم علیهم السلام و غیبت فرزند ایشان - حضرت قائم علیهم السلام - تکرار شده است که هر کدام باید در محل خود به تفصیل بیان شود.

دینوک

غیبت حضرت یوسف علیهم السلام

یکی دیگر از انبیای الهی که به امر خداوند از قوم خود - حتی پدر و برادرانش - غیبت داشت، حضرت یوسف علیهم السلام بود.

ایشان سه روز در چاه، چند سالی در زندان و سالهایی هم در کسوت پادشاهی به سر برده که مجموع این ایام بیست سال می‌شود.^۱ فاصله مکانی حضرت یوسف علیهم السلام - در زمان سلطنتش بر مصر - با پدرش حضرت یعقوب علیهم السلام، مسیری بود که طی کردن آن در آن روزگار تنها هجده روز طول می‌کشید. با این حال پدر و برادران ایشان از حضور آن

۱ - کمال الدین، ابتدای باب ۵.

حضرت در نزديکى خود، بى خبر بودند. همچين برادران يوسف عليهما السلام حتّى در هنگام روبه رو شدن با آن حضرت، ايشان را نشناختند و تا خود را معرّفى ننمود، ايشان را به جا نياور دند. امام صادق عليهما السلام در بيان شاهت حضرت صاحب الامر عليهما السلام با جناب يوسف عليهما السلام مى فرمایند:

إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهًا مِّنْ يُوسُفَ لِعَلِيِّلٍ ... إِنَّ أخْوَةَ
يُوسُفَ لِعَلِيِّلٍ كَانُوا أَسْبَاطًا أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا يُوسُفَ و
بَايْعُوهُ وَخَاطَبُوهُ وَهُمْ أَخْوَهُمْ فَلَمْ يَعْرِفُوهُ حَتَّى
قَالَ: أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي فَمَا تُنَكِّرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ الْمَلْعُونَةُ أَنْ
يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِحُجَّتِهِ فِي وَقْتٍ مِّنَ الْأَوْقَاتِ كَمَا فَعَلَ
يُوسُفَ. إِنَّ يُوسُفَ لِعَلِيِّلٍ كَانَ إِلَيْهِ مُلْكُ مِصْرَ وَكَانَ بَيْسَهُ وَبَيْنَ
وَالِّدِيهِ مَسِيرَةً ثَمَانِيَّةً عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ أَنْ يُعْلَمَ لَقَدْرَ عَلَى
ذَلِكَ، لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ لِعَلِيِّلٍ وَوُلْدُهُ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تِسْعَةَ أَيَّامٍ
مِّنْ بَدْوِهِمْ إِلَى مِصْرَ فَمَا تُنَكِّرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَ
عَزَّ بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ يُوسُفَ أَنْ يَمْسِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَّا
بُسْطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ قَالُوا: أَ
إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ؟ قَالَ: أَنَا يُوسُفُ.

حضرت صاحب الامر عليهما السلام شاهتني با جناب يوسف عليهما السلام دارند... همانا برادران يوسف نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با او تجارت و معامله کردند و سخن گفتند در حالی که برادرانش بودند و او هم برادر آنها بود، اما او را نشناختند تا آنکه خودش گفت:

«من یوسف هستم و این برادر من است.» پس چرا این امت دور از رحمت الهی انکار می‌کنند که خدای عزوجل زمانی با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد؟ همانا جناب یوسف پادشاه مصر بود و فاصله میان او و پدرش مسیر هجده روز راه بود، پس اگر (خداآوند) می‌خواست پدر او را از این امر آگاه کند، می‌توانست (که البته چنین نکرد). وقتی بشارت یوسف به حضرت یعقوب و فرزندانش رسید، از محل خودشان تا مصر را در نه روز (یعنی نصف مدت معمول) طی کردند. پس به خاطر چه این امت انکار می‌کنند که خدای عزوجل با حجت خود همان کند که با یوسف عاشل کرد، به گونه‌ای که در بازارهای آنها راه رود و روی فرش‌هایشان پا بگذارد (بدون اینکه شناخته شود) تا اینکه خداوند در این امر (معرفی خودش) به او اجازه دهد، همان‌گونه که به یوسف عاشل اجازه معرفی داد؟ آنها گفتند: «آیا واقعاً تو خودت یوسف هستی؟» گفت: «من یوسف هستم.»

این حدیث شریف را مرحوم شیخ صدوq نیز در کتاب خود با مختصرا اختلافی در عبارت نقل کرده است. در نقل ایشان پس از جمله «**يَطَّأْ بُسْطَهُمْ**» تصریح شده است که: «و هُمْ لَا يَعْرُفُونَهُ»^۱ یعنی در حالی که او را نمی‌شناخند.

طبق این حدیث شریف، دو نحوه غیبت برای حضرت یوسف عاشل وجود داشته است: یکی دور بودن ایشان از پدر و سایر اعضای خانواده‌اش که هر چند فاصله مکانی بین آنها زیاد نبود، اما حضرت

یعقوب علیہ السلام و سایر فرزندانش از این نزدیکی مکانی - بر اساس علم عادی بشری - مطلع نبودند. بنابراین، غیبت به معنای پنهان بودن محل اقامت حضرت یوسف علیہ السلام از خانواده‌اش بود.

صورت دوم غیبت حضرت یوسف علیہ السلام به این شکل بود که ایشان با مردم - از جمله برادرانش - ملاقات داشت و با آنها صحبت کرد، آنها هم با او صحبت کردند، همچنین با یکدیگر خرید و فروش داشتند. اما تا آن حضرت، خویش را به آنها معزّف نکرد، هیچ‌کدام از برادران، ایشان را نشناختند. پس یکی از معانی غیبت این است که فرد غایب دیده می‌شود، اما شناخته نمی‌شود.

مقایسه و تشییه‌ی که در فرمایش امام صادق علیہ السلام بین حضرت یوسف علیہ السلام و امام عصر علیہ السلام شده است، نشان می‌دهد که هر دو صورت غیبت در مورد حضرت صاحب الامر عجل الله تعالیٰ فرجه وجود دارد و این امر، جای هیچ‌گونه ایراد و انکاری ندارد. امّت نفرین شده‌ای که امام صادق علیہ السلام اشاره فرموده‌اند، همان کسانی هستند که خود را مسلمان و پیرو قرآن و سنت نبوی می‌شمارند، اما با وجود چنین غیبی در حضرت یوسف علیہ السلام، نظری آن را در مورد حضرت مهدی علیہ السلام نمی‌پذیرند. اینها همان کسانی هستند که هر چند اصل وجود مصلحی از فرزندان پیامبر ﷺ را در آخر الزمان قبول دارند، اما تولد او را از امام حسن عسکری علیہ السلام منکر شده‌اند؛ چون غیبت آن حضرت را در این زمان طولانی نمی‌پذیرند. متأسفانه اکثریّت مسلمانان با اینکه به اصل مهدویّت معتقد‌ند، ولی جزء همین گروه منکران غیبت می‌باشند.

غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی

برخی دیگر از حجّت‌های الهی که به امر پروردگار از امّت خویش غیبت اختیار کردند، خلفای قبل از حضرت موسی علیهم السلام بودند. مطابق حدیثی که حضرت زین العابدین علیه السلام از جدّ بزرگوار خود -نبی اکرم ﷺ - نقل فرموده‌اند: «حضرت یوسف علیه السلام در هنگام وفات، شیعیان و اهل بیت خود را جمع کرد و آنها را از سختی‌هایی که پس از او خواهند دید، مطلع ساخت. به آنها خبر داد که مردانشان کشته می‌شوند، شکم‌های زنان باردارشان را پاره می‌کنند و کودکانشان را سر خواهند برید و این گرفتاری‌ها ادامه خواهد داشت تا زمانی که خداوند، قیام کننده‌ای از فرزندان «لاؤی بن یعقوب» را آشکار کند، سپس ویژگی‌های ظاهری آن قائم را برای ایشان بیان نمود، آنها هم به همین وصیّت تمسّک نمودند». آنگاه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

وَقَعَتِ الْغَيْثَةُ وَالشَّدَّةُ عَلَى بَنَى إِسْرَائِيلَ وَ هُمْ مُمْتَظَرُونَ قِيمَ

الْقَائِمِ علیه السلام اربع مائة سنة حتى اذا بُشّروا بولادته ...^۱

غیبت (حجّت‌های الهی) و سختی بر بنی اسرائیل واقع شد، در حالی که آنها چهار صد سال را در انتظار قیام قائم علیهم السلام سپری کردند، تا آنکه به ولادت او بشارت داده شدند....

مالحظه می‌شود که در این فرمایش، تصریح به وقوع غیبت کرده‌اند. این غیبت مربوط به خلفای الهی قبل از حضرت موسی علیهم السلام می‌شود که برای مردم شناخته شده نبودند. از آنجا که هیچ‌گاه زمین از

حجّت یا حجّت‌های الهی خالی نمی‌ماند، پس در طول این چهار صد سال، این حجّت‌ها ناشناخته بودند و از همین جهت، تعبیر غیبت در مورد ایشان به کار رفته است.

غیبت حضرت موسی علیه السلام

یکی دیگر از انبیای بزرگ الهی که از قوم خود غیبت اختیار کرد، حضرت موسی علیه السلام - از پیامبران اولو العزم الهی - بود. طبق حدیث منقول از پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم پس از ولادت حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل که از چهار صد سال پیش، انتظار ظهور قائم را می‌کشیدند، موفق به زیارت آن حضرت در سنّ جوانی شدند و در پیشگاه الهی سجدۀ شکر به جا آوردند. در این ملاقات زودگذر، موسی علیه السلام فقط یک جمله به ایشان گفت و سپس از دیدگانشان غایب شد. متن فرمایش پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم در این خصوص چنین است:

فَوْشَكَاهُنَّ خَصْصِيَّ كِتَبِ دِينِ
... قال: أَرْجُو أَنْ يُعَجِّلَ اللَّهُ فَرَجَكُمْ ثُمَّ غَابَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ خَرَجَ
إِلَى مَدِينَةِ مَدِينَ فَأَقَامَ عِنْدَ شُعَيْبٍ مَا أَقَامَ فَكَانَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ
أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأُولَى وَ كَانَتْ نَيْفًا وَ خَمْسِينَ سَنَةً وَ اسْتَدَدَتِ
الْبُلْوَى عَلَيْهِمْ ... ۱

(موسی علیه السلام) فرمود: امیدوارم خداوند فرج شما را جلو اندازد.

۱ - کمال الدین، باب ۶، ح ۱. روشن است که این حدیث منافاتی با این مطلب ندارد که اقامت حضرت موسی علیه السلام نزد حضرت شعیب علیه السلام هشت یا ده سال باشد. زیرا در این حدیث مذکور غیبت ایشان را پنجاه و چند سال دانسته است و مذکور غیبت ایشان می‌تواند بیشتر از مذکور اقامت ایشان پیش حضرت شعیب علیه السلام باشد.

سپس غایب شد و به شهر مدین رفت و مدت اقامتش را در آنجا ماند. غیبت دوم برای آنها از اوّلی سخت‌تر بود و پنجاه و چند سال طول کشید و (در این مدت) گرفتاری آنها شدت یافت.... بنابراین حضرت موسی علیه السلام از زمان تولد، دو غیبت داشت. بنی اسرائیل که از ولادت ایشان خبر داشتند، از دیدارش محروم بودند، تا آنکه به صورت ظاهراً اتفاقی، ایشان را در سن جوانی زیارت کردند. اما این ملاقات طولی نکشید و آن حضرت بلافصله برای بار دوم از دیدگان آنها غایب شد. این غیبت دوم، هم طولانی‌تر از اوّلی بود و هم بر بنی اسرائیل سخت‌تر و شدیدتر گذشت. به این ترتیب می‌توان گفت که از جهت غیبت (به خصوص تحقیق دو غیبت) بین حضرت موسی علیه السلام و امام عصر علیه السلام شباht وجود دارد. امام صادق علیه السلام در بیان این وجه شباht فرمودند:

دسوک
فِي الْقَائِمِ علیه السلام سُنَّةٌ مِّنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَانَ علیه السلام .. خَفَاءُ مَوْلِدهِ وَ
غَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ.

در امام قائم علیه السلام سنتی از حضرت موسی بن عمران علیه السلام است: پنهانی ولادتش و نهانی از قومش.

سپس راوی سؤال نمود که غیبت حضرت موسی علیه السلام چقدر طول کشید؟ حضرت فرمودند: «بیست و هشت سال». ۱

این بیست و هشت سال، به اوّلین غیبت ایشان مربوط می‌شود که بنی اسرائیل در این فاصله سراغ ایشان را می‌گرفتند، اما خبری پیدا

نمی‌کردند و لذا کاملاً از او بی‌اطلاع بودند.^۱ احادیث و اخبار مربوط به حضرت موسی علیهم السلام نشان می‌دهد که در این مدت، عموم مردم اگر هم ایشان را می‌دیدند، نمی‌شناختند. بنابراین حضرت موسی علیهم السلام علاوه بر داشتن اصل دو غیبت -یکی کمتر و دیگری طولانی‌تر- از جهت نحوه غیبت نیز دو تجربه داشته است: یکی بودن در میان مردم و خارج بودن از شهر و دیار آنها و دوم ناشناخته بودن در عین سکونت در همان شهر و احیاناً رفت و آمد بین مردم. هر دو صورت غیبت، در مورد امام عصر علیهم السلام نیز امکان‌پذیر است.



۱ - کمال الدّین، باب ۶، ح ۲.

درس دوم: پنهانی امام عصر علیهم السلام

معنای غیبت امام عصر علیهم السلام

مواردی که از غیبیت‌های انبیای گذشته در درس پیشین بیان شد، از چند جهت در مورد غیبت امام عصر علیهم السلام قابل استفاده است. یکی از این جهات معنا و مفهوم غیبت ایشان است که می‌توان گفت به دو صورت می‌تواند باشد: یکی غیبت بدن و جسم شریف ایشان از میان مردم و دیار آنان، دوم غیبت عنوان و وصف آن حضرت به طوری که دیده شوند، اما همچنان ناشناس باقی بمانند. این دو صورت با یکدیگر قابل جمع هستند؛ یعنی غیبت امام زمان علیهم السلام می‌تواند به صورت اول باشد و هم به صورت دوم. ممکن است گاهی به شکل اول رخ دهد و گاهی به شکل دوم یا بعضی با نوع اول آن رو به رو شوند و برخی دیگر با گونه دوم. در احادیث ائمه علیهم السلام به وقوع هر دو حالت تصریح شده است.

در حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل کردیم، تعبیر ایشان چنین بود: «أَنْ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَاوِلُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرُفُونَهُ». از این عبارت فهمیده می شود که امام عصر علیه السلام با بدن شریف خود، میان مردم رفت و آمد می کنند، اما افراد، عموماً ایشان را نمی شناسند. با این ترتیب، غیبت حضرت، منافاتی با حضور جسمی ایشان ندارد. آنچه مهم است، ناشناخته بودن ایشان می باشد.

در احادیث دیگری که موضوع غیبت امام عصر علیه السلام مطرح شده، به «عزلت» ایشان اشاره شده است. امام سجاد علیه السلام در بیان وجه شباهت آن حضرت به حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده اند:

أَمَا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ.^۱

اما ستی که از ابراهیم در امام عصر علیه السلام وجود دارد، پنهان بودن ولادت و کناره گیری از مردم می باشد.

همچنین امام صادق علیه السلام در مورد غیبت امام زمان علیه السلام چنین فرمودند:

لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَ لَا بَدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عُزْلَةٍ.^۲

تعابیر «عزلت» و «اعتزال» به معنای کناره گیری ایشان از مردم است و اصولاً یکی از معانی غربت آن امام عزیز در زمان غیبت، همین دور بودن ایشان از دوستان و شیعیان خود می باشد.^۳

۱ - کمال الدین، باب ۳۱، ح ۳.

۲ - الغيبة، نعمانی، باب ۱۰، ح ۴۱.

۳ - توضیح این معنای غربت را در حلقة ششم مطالعه فرمایید.

نتیجه‌ای که از این دو گونه احادیث استفاده می‌شود، این است که هر دو حالت مزبور در غیبت امام عصر علیهم السلام وجود دارد: هم دوری و جدایی از مردم و هم ناشناخته بودن با وجود حضور در میان ایشان. همان‌طور که گفته شد، ممکن است هر یک از این دو گونه بر اساس زمان‌ها یا افراد مختلف رخ دهد.

اما تعبیر دیگری هم در توضیح معنای غیبت امام زمان علیهم السلام از امام صادق علیهم السلام نقل شده است:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَنِ يَشْهُدُ فِي إِحْدَى هُمَّا الْمَوَاسِيمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ.^۱

حضرت قائم علیهم السلام دو غیبت دارند^۲ که در یکی از آن دو، شاهد مواقف حج هستند، ایشان مردم را می‌بینند ولی مردم ایشان را نمی‌بینند.

در این حدیث شریف، کلمه «یَشْهُدُ» آمده است. این کلمه به دو معنا به کار می‌رود: یکی به معنای «حضور یافتن» و دیگر «به چشم دیدن». ^۳ «یَشْهُدُ» به هر یک از این دو معنایکه باشد، ظهور در حضور جسمانی حضرت در مواقف حج دارد. البته این حضور- چنانکه در خود حدیث فرموده‌اند - مربوط به یکی از دو غیبت امام عصر علیهم السلام است، اما غرض ما از طرح و توضیح آن، این است که تعبیر «یَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ» را

۱ - اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب فی الغیبة، ح ۱۲.

۲ - مراد از این دو غیبت، دو مرحله از غیبت است که غیبت صغیری و کبری نامیده می‌شوند نه دو معنایی از آنکه فعلًا محل بحث می‌باشد.

۳ - شَهَدَ الْمَعْلُوسُ: حَضَرَهُ وَ شَهَدَ الْحَادِثُ: عَانَهُ (المعجم الوسيط ص ۴۹۷).

بیان کنیم و معنای آن را با توجه به توضیحات گذشته روشن نماییم. در صورتی که امام علی‌الله‌یا در مراسم حج حضور داشته باشند، می‌توان گفت که ایشان مردم را با چشم می‌بینند، اما عموم مردم از دیدن آن حضرت محروم هستند. این ندیدن مردم به دو صورت محتمل است: یکی اینکه به اعجاز الهی و علی‌رغم حضور جسمانی آن حضرت، مردم از دیدن شخص ایشان، ناتوان باشند.

دوم اینکه بدن شریف ایشان را به چشم ببینند، اما هویّتشان را تشخیص ندهند. در این صورت می‌توان گفت که مردم ایشان را - به عنوان امام زمان علی‌الله‌یا - نمی‌بینند. البته این احتمال، قدری از ظاهر تعبیر «لایرون» دور است، اما به هر حال، لفظ حدیث قابل حمل بر آن می‌باشد. بنابراین احتمال، معنای حدیث همان چیزی است که در احادیث دیگر تحت عنوان «وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ» مطرح شده است. به هر حال، هر چند که حضور امام علی‌الله‌یا در موافق حج به یکی از دو غیبت ایشان (غیبت کبری) مربوط دانسته‌اند، اما تعبیر «یری النّاس و لایرون» با توجه به توضیحی که در معنای آن گفتیم، در هر مکانی که حضرتش حضور پیداکنند، صدق می‌کند و بنابراین اگر در غیبت صغیری نیز در مراسم حج حضور می‌یافتد، همین معنا در مورد غیبت ایشان صدق می‌کرد.

حالی نبودن زمین از حجت الهی

مطلوب دیگری که در بحث از غیبت امام عصر علی‌الله‌یا باید به عنوان یک اصل اصیل مورد توجه قرار گیرد، این است که طبق سنت پروردگار، زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نمی‌ماند و اگر این حجت،

آشکار و شناخته شده نباید، در عین ناشناختگی قطعاً حضور دارد. این مطلب در احادیث متعددی ذکر شده است که در اینجا فقط به یکی از آنها استناد می‌کنیم.

امیر المؤمنین علیهم السلام در خطبه‌ای که بر منبر مسجد کوفه ایجاد کردند، چنین فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدُّ لَكَ مِنْ حُجَّةٍ فِي أَرْضِكَ حُجَّةٌ بَعْدَ حُجَّةٍ
عَلَى خَلْقِكَ ... ظَاهِرٌ غَيْرِ مُطَاعٌ أَوْ مُكْثَمٌ يُتَرَقَّبُ ... وَ إِنَّكَ
لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٌ لَيْسَ
بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٌ مَغْمُورٍ.^۱

بار خدایا، قطعاً برای تو حجت‌هایی در زمینت هست که یکی پس از دیگری حجت بر آفریده‌هایت هستند ... اینها یا آشکار هستند اما مورد اطاعت (مردم) نمی‌باشند یا پنهان از دیدگان [اند] که (مردم) انتظار (ظهور) اشان را می‌کشند ... و تو زمینت را از حجت خود بر آفریدگان خالی نمی‌گذاری، حجتی که یا آشکار است اما اطاعت نمی‌گردد و یا ترسان و پنهان می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که امیر المؤمنین علیهم السلام در قسمت کوتاهی از خطبه خود، دو بار به این سنت همیشگی خداوند اشاره فرموده‌اند. آنچه باعث تأسف می‌باشد این است که در هر دو بار حجت آشکار الهی به مطاع نبودن توصیف شده است. گویی مردم - عموماً - این‌گونه هستند

۱ - اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب فی الغيبة، ح ۱۳